



عنوان	شیوه حمایت از تأمین کالای اساسی با توجه به محدودیت منابع ارزی کشور
سخنرانان	دکتر عباس تابش، دکتر صدیف بیگ زاده، سروش باقری
	تاریخ برگزاری: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱

سخنران نخست (آقای سروش باقری)

در این بخش آسیب‌شناسی سیاست ارز ترجیحی و کارا بودن آن مورد بررسی قرار گرفت. نخست وضعیت فقر و نابرابری درآمد و عوامل اثرگذار بر آن، سپس شناخت و آسیب‌شناسی وضع موجود نظام یارانه‌ای کشور و در آخر سناریوی تأمین کالای اساسی و سناریوی جایگزین تخصیص ارز ترجیحی مطرح شد. خلاصه‌ای از مطالب ارائه شده به شرح زیر می‌باشد.

اقتصاد کشور در ۵۰ سال اخیر وضعیتی پرنوسان به همراه رشد بسیار پایینی داشته است. تورم بالا و پرنوسان امکان برنامه‌ریزی را از سیاست‌گذار سلب نموده و وضعیت رفاه اقتصادی را تنزل داده است. به عبارت کلی‌تر دچار شکست در سیاست‌گذاری بوده‌ایم.

راهکار بهبود توزیع درآمد به دو روش امکان پذیر است: ۱- بازتوزیع از محل خلق درآمد جدید (رشد اقتصادی)، ۲- بازتوزیع از محل جلوگیری از اتلاف منابع موجود. برای اجرای راهکار اول باید موجودی خالص سرمایه یا نیروی کار و یا بهره‌وری افزایش یابد. به دلیل عدم سرمایه‌گذاری امکان افزایش خالص سرمایه وجود ندارد، بنابراین راهکار اول امکان پذیر نیست و به‌ناچار راهکار دوم را برمی‌گزینیم.

نابرابری در مصرف سبب ایجاد نابرابری در درآمد و در نهایت در ثروت می‌شود. با سیاست ارز ترجیحی، به دهکی که بیشتر مصرف می‌کند نیز یارانه اختصاص داده می‌شود و اجرای این سیاست‌های غلط، در بهبود درآمد بی‌تأثیر خواهد بود.

تنظیم قیمت، راهکاری کوتاه مدت است و دولت برای حمایت از خانوارها، به آنها یارانه اختصاص می‌دهد. سوآلی که با آن مواجه هستیم این است که آیا دولت می‌توانست عملکرد بهتری داشته باشد و در عین حال از خانوارها حمایت کند و چالش‌های پیش رو را کاهش دهد؟

چالش‌های پیش روی سیاست تخصیص ارز ترجیحی:

- عدم کارایی ارز ترجیحی
- کسری بودجه ناشی از عدم تحقق درآمد نفتی در نظر گرفته شده در بودجه خانوارها
- فشار به بانک مرکزی جهت پولی کردن کسری بودجه و به تبع آن افزایش مجدد نرخ ارز
- بی‌ثباتی بیشتر در تغییرات نرخ دلار



در این مطالعه، با در نظر گرفتن قیمت کلای اساسی با نرخ نیمایی، میزان افزایش هزینه خانوار با شبیه‌سازی مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج آن در فایل ارائه موجود است.

کلای اساسی در نظر گرفته شده در این مطالعه دارو و مواد خوراکی و آشامیدنی می‌باشد.

سخنران دوم (دکتر عباس تابش)

بحث کالاهای اساسی از اهمیت بالایی برخوردار است به دلیل اینکه ۲۵ قلم کلای اساسی، ۷۵ درصد سفره‌ی مردم را تشکیل می‌دهند و براساس قانون انگل، دهک‌های پایین درآمدی جامعه بیشترین تأثیرپذیری را دارند. موضوع زنجیره‌ی تأمین برای بررسی مبحث کلای اساسی، ضروری است. زنجیره‌ی تأمین عبارت از تمامی جابجایی‌ها و ذخیره مواد اولیه، موجودی در حین کار و محصول تمام شده از نقطه شروع اولیه تا نقطه پایان مصرف می‌باشد. در این زنجیره جریان فیزیکی و مالی اهمیت دارد و به هم مرتبط هستند. یکی از حلقه‌های مفقود این زنجیره، جریان اطلاعات است که به راحتی از بخش خصوصی حاصل نمی‌شود، برای بهبود روند زنجیره‌ی تأمین همه‌ی قسمت‌ها باید به صورت کارا و هماهنگ عمل کنند.

با عملیاتی کردن سیاست ارز ترجیحی، شرکت‌های صوری تقاضای کاذب برای ارز ایجاد نمودند و با وجود تحریم‌ها به معضلات جامعه افزوده شد. سوآلی که مطرح می‌شود این است که چرا با وجود ارزان شدن ارز، کالا ارزان نمی‌شود؟ در پاسخ باید به دیگر عوامل تأثیرگذار در قیمت کالا که شامل افزایش قیمت جهانی کالا، افزایش ۳۶ درصدی حقوق و دستمزد و افزایش هزینه‌ی حمل و نقل اشاره نمود.

همان‌طور که مشهود است، مشکلاتی در توزیع و تأمین کالاها وجود دارد اما تمامی آنها مربوط به عملیاتی کردن سیاست ارز ترجیحی نیست. CPI کالاهای اساسی ۵۳ درصد و کالاهای غیراساسی ۸۵ درصد می‌باشد و این موضوع نشان می‌دهد که سیاست تخصیص ارز ترجیحی موثر بوده و امکان بهتر شدن شرایط نیز وجود دارد.

راهکار بلندمدت مبارزه با تحریم‌ها، اقتصاد مقاومتی است، لذا استفاده از ظرفیت داخلی باید سرلوحه‌ی کار باشد. شرکت‌های دانش‌بنیان و دانش فنی افراد تحصیلکرده نیاز است تا بتوان دانش و صنعت را تلفیق و گامی در جهت رفع مشکلات برداشت.

از اقدامات دیگری که قابل انجام است، می‌توان بحث جیره‌بندی را عنوان کرد که مسلماً به تنش بازار و تقاضای کاذب منجر می‌شود. سامانه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اصلاح نظام توزیع است و امکان رصد کالا از ابتدا تا رسیدن به دست مصرف‌کننده را دارد. سامانه جامع تجارت نیز گامی در جهت امکان جابجایی داده و اطلاعات می‌باشد. تشدید نظارت‌ها بر بازار به صورت بازرسی الکترونیکی، اطلاع رسانی و تعیین قیمت‌ها می‌باشد. سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده با این اقدامات به دنبال تأمین کلای اساسی برای مصرف‌کننده می‌باشد.



سخنران سوم (دکتر صدیف بیگ زاده)

تقابلی بین مباحث تئوری و عملی وجود ندارد اما مباحث آکادمیک با فرض ثابت بودن سایر شرایط مورد بررسی قرار می‌گیرند، حال آنکه در عمل امکان ثابت نگه داشتن سایر عوامل امکان پذیر نیست، بنابراین قطعاً در اجرا مغایرت‌هایی به چشم می‌خورد.

اقتصاد ما قبل از تحریم‌ها، با ابر چالش‌هایی مواجه بوده است. اهم آن‌ها عبارت از نرخ بالای بیکاری، تورم، نقدینگی، سیاست‌های نامناسب پولی و ارزی، توزیع نابرابر درآمد و نظام مالیاتی معیوب است. این گسل‌های عمیق در اقتصاد با یک شوک ارزی فعال شده و مشکلاتی بسیار پیچیده‌تر از قبل پدید آورده است.

اتخاذ هر سیاستی در شرایط بد اقتصادی با هزینه‌هایی مواجه می‌شود و سیاستی موثر خواهد بود که رفاه اجتماعی را حداکثر سازد. علاوه بر این، مباحث اقتصاد سیاسی نیز بر کشور حاکم است که برای اتخاذ هر سیاستی باید در نظر گرفته شود.

مدیریت تأمین کالاهای اساسی به کنترل عرضه، تقاضا و قیمت نیازمند است. در بحث عرضه، واردات و تولیدات داخلی مطرح می‌شود. با ممنوعیت واردات کالاهای لوکس و غیرضروری و تخصیص ارز متعلق به آنها به کالاهای ضروری، منابع محدود ارزی مدیریت می‌شود. در بحث قیمت، با اتخاذ سیاست تثبیت قیمت‌ها، کالاهای اساسی با قیمت کمتری در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گیرد. در بحث تقاضا با پایین نگه داشتن قیمت نسبت به وضعیت بازار شوک تقاضا به بازار وارد می‌شود.

با ثابت نگه داشتن قیمت ۲۵ قلم کالای اساسی، به دلیل اختلاف قیمت با سایر کشورها، با پدیده قاچاق خروجی کالا مواجه شدیم و لذا لیست ممنوعیت صادراتی اعمال کردیم. بسیاری از تصمیمات، در شرایط نامناسبی اتخاذ شده و برخی نامعقول بوده است که دولت به نادرستی آنها اذعان دارد و بایستی به تدریج اصلاح شوند.